



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



اسرائیل نمی‌تواند صرفاً به توان خودش تکیه کند

در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، اسحاق شامیر، ارزش همکاری و خوشبختی داری را درک کرد. دولت جورج بوش پدر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا یک ائتلاف گسترده برای مقابله با عراق تحت رهبری صدام حسین ایجاد کرده بود. عراق ۴۰ موشک اسکاد علیه اهداف غیرنظامی اسرائیل شلیک کرد که باعث کشته‌شدن دوشه‌روند غیرنظامی و مجروح شدن صدها نفر دیگر شد. هدف صدام حسین کشتن پای اسرائیل به جنگ خلیج فارس بود تا در ائتلاف ۴۲ کشوری علیه خودش شکاف ایجاد کند. آمریکا از اسرائیل خواست تا واکنش نشان ندهد. دولت بوش سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت را با این تصور که باعث ثبات خواهند شد به اسرائیل منتقل کرد. هر چند سامانه‌های پاتریوت توفیق چندانی در رهگیری موشک‌های اسکاد ساخت شوروی نداشتند، اما شامیر را قانع کردند که در چارچوب جنگ تحت رهبری آمریکا اقدام کند. ائتلاف علیه عراق به‌سادگی صدام را شکست داد. نتایج در آن دوران معاون نخست‌وزیر بود و تصور عمومی این است که از اسحاق شامیر حرف‌شنوی داشت. امروز قطعاً وضعیت پدافند هوایی اسرائیل بهتر از آن زمان است. اما آیا این کافی است؟ فقط کافی است یک موشک هسته‌ای از پدافند هوایی اسرائیل بگذرد تا نتایج غیرقابل‌تصور بر جا بگذارد. تکیه بیش از اندازه بر دفاع موشکی این پیام را در خود دارد که بازه‌اندازی اسرائیلی به این نتیجه رسیده‌اند که بازه‌اندازی هسته‌ای دیگر به‌عنوان ضامن امنیت قابل‌انکار نیست. همین حالا هم این واقعیت علنی شده است. ظرفیت هسته‌ای بالقوه اسرائیل جلوی ایران را برای واکنش به حمله ماه آوریل نگرفت. سال ۱۹۹۱ هم اسرائیل هشدار داده بود که در صورت حمله عراق، انتقام بسیار وسیعی خواهد گرفت، اما این تهدید هم جلوی صدام را نگرفت. اسرائیل از سال‌های نخست موجودیتش باور داشت که حق اخلاقی دارد تا در برابر هر تهدیدی به صورت یکجانبه واکنش نشان دهد. این سیاست را با عنوان دکترین بگین می‌شناسند. مناخیم بگین، نخست‌وزیر پیشین اسرائیل کسی بود که سال ۱۹۸۱ دستور حمله به راکتور هسته‌ای اوسیراک عراق را صادر کرد. سال ۲۰۰۷ هم ایهود اولمرت، نخست‌وزیر وقت اسرائیل دستور حمله به تاسیسات هسته‌ای الکبار سوریه را صادر کرد. اما ترديدهای زیادی وجود دارد که دکترین بگین و تر جیح دادن اقدام یکجانبه همچنان مؤثر باشد. تاسیسات هسته‌ای ایران بسیار پراکنده هستند و زیر زمین پنهان شده‌اند که باعث می‌شود نابودی آنها توسط حمله پیش‌دستانه غیر محتمل باشد.

لازس فریدمن، استراتژیست بریتانیایی سال ۲۰۰۳ در مقاله‌ای نوشت: «تأمین به اقدام پیش‌دستانه نتیجه مفروض گرفتن جهانی است که مشکلات آن را می‌توان با حملات بی‌پروا، فوری و قاطع حل کرد. در جهان امروز نمونه‌هایی از اجرای موفق چنین فرضیه‌ای بسیار نادر است.» درس‌های حمله ایران برای تندروهای کابینه و جنگ‌طلبان نظامی اسرائیل ناخوشایند است. آنها باور دارند که اسرائیل می‌تواند برای دفاع روی پای خودش بایستد، اما توفیق در رهگیری موشک‌های ایران بدون مداخله ایالات متحده و دیگر متحدان از جمله شرکا و همسایگان عرب اسرائیل ممکن نبود. ایالات متحده نقش حیاتی در تأمین مالی و طراحی سامانه‌های دفاع موشکی اسرائیل داشت و اسرائیل را به سامانه هشدار موشکی جهانی آمریکا متصل کرده است. آنکا به آمریکا برای مقابله با حمله ایران، باعث شد تا اسرائیل برای واکنش به ایران محدود شود و همچنین ضرورت و اهمیت داشتن متحدان، به‌ویژه متحدانی در خاورمیانه برایش روشن تر شود. اگر ایران به یک کشور اتمی تبدیل شود، مهم‌تر می‌شود. آمریکا هنوز قاطعانه دنبال این است که یک سامانه دفاعی مشترک منطقه‌ای مشابه سامانه دفاع ضد موشکی ناتو در اروپا، برای خاورمیانه ایجاد کند. اقدام یکجانبه اسرائیل علیه ایران می‌تواند باعث از بین رفتن زمینه‌های همکاری اسرائیل و اعراب شود. افکار عمومی اسرائیل هم تمایل کمی برای اقدام یکجانبه علیه ایران دارند. نظرسنجی دانشگاه عبری اسرائیل نشان می‌دهد که ۷۴ درصد از اسرائیلی‌ها مخالف انتقام علیه ایران هستند که باعث آسیب دیدن روابط اسرائیل با متحدانش شود. حمله حماس در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و حمله ایران در ۱۴ آوریل به وضوح نشان داد که اسرائیل دیگر نمی‌تواند برای فائق آمدن بر دشمنانش صرفاً به خود تکیه کند.



نگاه تحلیلی

درد زایمان نظم جدید خاورمیانه

جنگ غزه چه تاثیری بر پویایی‌های آینده منطقه بر جا خواهد گذاشت؟

اسرائیل به رفح، شهری در جنوب غزه که بیش از یک میلیون نفر در آن آواره شده‌اند، حمله کند. در سویی دیگر، گروه‌های بشردوستانه هشدار می‌دهند که چنین حمله‌ای عواقبی فاجعه‌بار برای غیرنظامیان خواهد داشت. در این بیانیه به نقل از خلیل الحیا از مقامات ارشد حماس آمده است که این گروه پاسخ اسرائیل به پیشنهاد خود که دو هفته پیش به میانجیگری مصر و قطر ارسال شده بود را دریافت کرده است. به گفته خلیل الحیا حماس پس از مطالعه پیشنهادات اسرائیل بدان پاسخ خواهد داد.

به گفته یکی از مقامات رژیم صهیونیستی، روز جمعه نیز هیئتی از مقامات مصری در تلاش برای پیشبرد مذاکرات به اسرائیل سفر کردند. تردیدها درباره موافقت اسرائیل با بازگشت آوارگان فلسطینی به شمال غزه مانعی جدی بر سر راه مذاکرات است. مقامات حماس بر این باورند که تمامی آوارگان فلسطینی باید به محل سکونتشان بازگردند، در مقابل مقامات اسرائیلی گفته‌اند بر آنند که محدودیت‌هایی را درباره اینکه چه کسی، کجا و چگونه می‌تواند بازگردد، ایجاد کنند. با افزایش امکان حمله اسرائیل به شهر رفح، کوشش سایر کشورها برای ایجاد آتش‌بس در غزه افزایش یافته است. در روزهای آغازین این هفته، یک مقام نظامی اسرائیل اظهار داشت که اگر اسرائیل تهاجم به رفح را آغاز کند، «منطقه بشردوستانه» تعیین شده توسط این رژیم در امتداد ساحل گسترش خواهد یافت تا غیرنظامیان بیشتری در آن ساکن شوند.

این اظهارات خود گویای طراحی رژیم صهیونیستی بر یورش گسترده به شهر رفح است. در حالی که آمریکا بر آن است تا رژیم صهیونیستی را از حمله به رفح باز دارد، انتظار می‌رود آنتونی بلینکن، وزیر خارجه دولت بایدن در هفته پیش‌رو به اسرائیل سفر کند. مقامات اسرائیلی بارها اعلام کرده‌اند که ورود به رفح برای مبارزه با گردان‌های حماس ضروری است. در مقابل بسیاری از کشورهای نگران تکرار فجاجع انسانی در این تهاجم هستند.

استوار بر شواهدی لرزان، تا بدان جا که شواهد گویا هستند، درکی واقع‌بینانه از آینده نظم خاورمیانه عرضه و جایگاه منافع ملی ایران را در این نظم تبیین کنیم. با نظر داشت اهمیت موضوع و اقتضای ضرورت بحث، ابتدا به آخرین تحولات در عرصه میدانی و دیپلماسی جنگ نگاهی خواهیم داشت و سپس با تأمل در استراتژی کنشگران اصلی منطقه، کوشش‌های آنان برای شکل‌دهی به نظام امنیتی مطلوب‌شان را محل بحث قرار خواهیم داد. در پایان نیز به اثرات این تحولات بر منافع ملی ایران خواهیم پرداخت.

▼ آخرین تحولات در عرصه میدان و دیپلماسی

همزمان با تشدید و تطویل بحران غزه و پیامدهای انسانی این جنگ ویرانگر، مذاکرات برای انجام صلحی موقت نیز همچنان ادامه دارد. گرچه طرح برخی خواسته‌ها از سوی دو طرف به‌ویژه رژیم صهیونیستی و عزم این رژیم برای حمله به شهر رفح، چشم‌انداز صلح را تیره و تار کرده است اما کشورهای میانجی همچون مصر، قطر و آمریکا بر آنند تا طرف‌های درگیر را به توقف جنگ ترغیب کنند.

از بررسی اظهارات مقامات رژیم صهیونیستی چنین برمی‌آید که حمله به شهر رفح به هدفی استراتژیک برای این رژیم تبدیل شده است؛ گرچه همزمان افزایش فشارهای داخلی و بین‌المللی انجام این مهم را دشوار ساخته است. در هفته‌های اخیر، مذاکرات با هدف دستیابی به آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها در غزه به سبب تداول اختلافات بر سر خروج نیروهای اسرائیلی و طول مدت آتش‌بس، متوقف شده است. در حالی که حماس خواستار آتش‌بس دائمی است، اسرائیل آمادگی خود را برای توقف موقت درگیری‌ها اعلام کرده است.

در میانه تشدید بحران در نوار غزه، گروه مقاومت اسلامی حماس روز شنبه اعلام کرد که در حال بررسی پیشنهاد جدید اسرائیل برای آتش‌بس در نوار غزه است. بیانیه حماس در حالی منتشر شد که انتظار می‌رود

رژیم صهیونیستی حمله به رفح را بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی خود در مبارزه با حماس تلقی می‌کند و عزم بر آن دارد تا به هر طریق ممکن به آن اقدام کند. به نظر می‌رسد مقامات آمریکایی نیز انجام این حمله را اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و تنها بر آنند تا از تلفات انسانی بیشتر جلوگیری کنند



مجید محمدشریفی
استادیار گروه روابط بین‌الملل
دانشگاه خوارزمی

جنگ غزه تمامی شئون زیست امنیتی منطقه خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده است. این جنگ فراتر از بحرانی انسانی که وجدان انسان‌های بیدار را به درد آورده است، بر آینده تعاملات امنیتی کنشگران منطقه اثری بی‌بدیل خواهد داشت. مبالغه نیست اگر بگوئیم این جنگ نقطه‌عطفی در چگونگی تکوین و تحول نظم امنیتی منطقه خاورمیانه خواهد بود. فدای پایان جنگ غزه، دورانی دیگر در حیات سیاسی-امنیتی خاورمیانه است.

کنشگران اصلی منطقه هر کدام برآنند تا به فراخور قدرت، مسیر تطور و تکوین نظم امنیتی نوین منطقه خاورمیانه را در راستای منافع ملی‌شان هدایت کنند. برای درک آینده این نظم، نیازمند تأملی عمیق در ماهیت تحولات و همچنین ادراکی دقیق از منافع کنشگران صاحب منفعت هستیم. بی‌تردید هرگونه تحولی در نظم امنیتی منطقه خاورمیانه به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بر منافع ملی ایران اثرگذار و آیینت فرصت‌ها و تهدیدهای فراوانی خواهد بود. این اثرگذار ما را بر آن می‌دارد تا به دور از هرگونه خیال‌اندیشی و برداشتی ناصواب از تواتر اوضاع و احوال خاورمیانه، با تأملی واقع‌بینانه، مسیر تطور تحولات را تبیین و پیامدهای راستین آن بر منافع ملی ایران را استخراج کنیم.

هرگونه سیاست‌ورزی استوار بر منافع ملی در نظام امنیتی آتی خاورمیانه تنها از مجرای تبیین سرشت حقیقی تکوین و تحول این نظم امکان‌پذیر است. انحراف از ادراک ماهیت راستین این تحولات، فرجامی جز هدررفت منابع و فرارگرفتن در تنگنای تهدیدات بیشتر نخواهد داشت. با تلفات بدین ضرورت، در این مقاله بر آنیم تا با دوری از هرگونه خیال‌اندیشی